

## مستندات قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب در تمدن‌سازی نوین اسلامی

رحیم ابوالحسینی\*

### چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب یکی از ارزشمندترین مکتوبات تاریخ چهل‌ساله انقلاب اسلامی ایران است. در این بیانیه به همه آنچه هر جامعه متمدن اسلامی نیاز دارد، اشاره شده است. ایمان، علم، جهاد، اخلاق، عدالت، عقلانیت، اقتصاد، رسانه و روابط بین‌الملل از شاخصه‌های مهم تحقق «تمدن نوین اسلامی» هستند که بار تلاش برای دستیابی به آن‌ها در این بیانیه بیشتر بر دوش جوانان گذاشته شده است. در واقع، سرفصل‌ها و نکاتی که در این بیانیه آمده، همگی ناظر به تحقق تمدن نوین اسلامی است که در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد. در این پژوهش کوتاه بر آنیم که فقط مبانی و مستندات قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب را استخراج و تحلیل کنیم. دلیل این انحصار آن است که بیانیه مذکور سرشار از اشارات قرآنی است و با توجه به تنگی مجال سخن در یک مقاله، برای پرهیز از گسترش مطالب به‌ناچار بحث را به مستندات قرآنی منحصر کرده‌ایم که وجه مشترک بین همه مذاهب اسلامی است و متعرض بحث درباره مستندات روایی یا عقلانی آن نشده‌ایم. امیدواریم در این نوشته کوتاه چیزی از محتوای بیانیه کاسته نگردد.

**واژگان کلیدی:** تمدن، تمدن نوین اسلامی.

\*. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه: rahim.ab44@yahoo.com

## مقدمه

شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی هدف بسیار بزرگی است که رسیدن به آن نیازمند جهادی بی‌وقفه است. چشم‌انداز مطلوب جامعه مهدوی هنگامی محقق خواهد شد که شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی به نحو کامل در آن تجلی یابد. دین اسلام پس از آغاز بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تمدنی بسیار پیشرفته را پایه‌گذاری کرد که تمدن‌های دیگر را تحت‌الشعاع قرار داد. در این جهت، نزول آیات وحی و احکام ناب آن، گواه جاوید پیامبر شد تا اجتماع جاهل آن روزگار را به سوی تمدنی اصیل سوق دهد. اندیشه ناب رسول خدا صلی الله علیه و آله که برپایه تفکر و عقلانیت استوار بود، موجب بیداری فطرت‌ها گردید و چنان نفوذی در عصر رسالت یافت که همه رسم‌های جاهلانه را باطل یا اصلاح کرد و مردم را به معنویت و ایمان به خدای واقعی نزدیک ساخت؛ اما به‌رغم همه پیشرفت‌هایی که در صدر اسلام حاصل گشت، بدخواهان و دنیاپرستانی بودند که مردم را از ورود به این تمدن بزرگ باز داشتند و راه مقابله با آن را در پیش گرفتند. این تقابل‌ها هرچند نتوانست دروازه این تمدن عظیم را مسدود کند، موجب کند شدن تحقق برنامه‌های آن گردید. از یک سو دولت‌هایی به‌ظاهر مسلمان روی کار آمدند و حیات طیبه جامعه نبوی را به حالتی نیمه‌جان درآوردند و از سوی دیگر دولت‌های کفر درصدد رویارویی با این تمدن بزرگ برآمدند و اندک‌اندک با گسترش سیطره استعماری غرب، سرمایه‌های فرهنگی و معنوی اسلام را به تاراج بردند. بی‌تردید اساسی‌ترین عامل انحطاط و انحراف کشورهای اسلامی در سبک زندگی، فاصله‌گرفتن و دور ماندن جوامع اسلامی از جهان‌بینی توحیدی و تعالیم اسلام بود.

در سده‌های اخیر با کوشش‌های عالمان و مصلحان دینی، به‌تدریج موجی از بیداری اسلامی و گرایش به قرآن و آموزه‌های اسلام شکل گرفت و منشأ

حرکت‌های فکری و اجتماعی و سیاسی گردید. در این میان، انقلاب اسلامی ایران نقطه اوج این حرکت‌ها بود و توانست ساختار سلطه جهانی را به لرزه درآورد و نویدبخش تجدید حیات اسلام و مسلمانان گردد.

اکنون پس از گذشت چهل سال از انقلاب شکوهمند ایران به دست توانای امام خمینی علیه السلام و خلف صالحش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، جهان شاهد تمدن‌سازی بی‌نظیری از اسلام است که موجب رعب و وحشت استکبار و سلطه‌جویان شرق و غرب گشته است. اینک ایران با داشتن رهبری شجاع و مصلحی بی‌نظیر، کشتی انقلاب را با نشاطی مضاعف هدایت می‌کند و آزادی‌خواهان جهان را به سوی این کشتی فرامی‌خواند. بیانیه گام دوم که در چهل سالگی انقلاب صادر شده، یکی از همان هدایت‌های مصلحانه‌ای است که سرشار از مبانی اصیل قرآنی و تجلی‌بخش جامعه نبوی و حیات مهدوی است و ما در مقاله حاضر درصدد تبیین و تحلیل آنیم.

### مفهوم تمدن و تمدن نوین اسلامی

مدنیت و تربیت‌پذیری هر جامعه را تمدن<sup>۱</sup> می‌نامند (حییم، ۱۹۹۵م، ص ۱۱۷). این واژه در فرهنگ‌نامه‌های فارسی به شهرنشینی و همکاری‌های لازم در جامعه شهری تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ذیل واژه تمدن؛ عمید، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۵۳۰). نظم اجتماعی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و شکوفایی معرفت از تعاریف دیگر تمدن دانسته شده است (دورانت، ۱۳۳۱ش، ج ۱، ص ۱۹).  
 واژه تمدن در عربی معادل «الحضارة» است و ابن‌خلدون در تعریف آن چنین گفته است: «إن الحضارة هي أحوال عادية زائدة على الضرورية من أحوال العمران. إن الحضارة غاية العمران ونهاية عمره و أنها مؤذنة بفساده»<sup>۲</sup> (ابن‌خلدون، ۱۹۶۰م، ج ۱، ص ۶۵۶).

1. Civilization.

۲. تمدن حالات عادی جامعه و فراتر از آبادی‌های ضروری آن است. هدف از آبادسازی شهر، رسیدن به تمدن است و با دسترسی به چنین تمدنی، عمران و آبادی پایان می‌یابد.

در «تمدن نوین اسلامی» علاوه بر شاخصه‌هایی همچون ایمان، معرفت، جهاد، عدالت و اخلاق که در «تمدن کهن اسلامی» وجود دارد، شاخصه‌هایی مانند عقلانیت، اقتصاد، رسانه و روابط بین‌الملل نیز دخیل هستند و هنگامی که این شاخصه‌ها به طور صحیح در جامعه عینیت یابند، تمدن نوین اسلامی که همان جامعه مهدوی است، محقق خواهد شد. اینجاست که در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به جوانان می‌خوانیم:

«دهه‌های آینده دهه‌های شماس‌ت و شما‌یید که باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی - ارواحنا فداه - است، نزدیک کنید» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش).

### شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم

مراد از شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی، مسائلی نظیر ایمان، معرفت، جهاد، عدالت، اخلاق، عقلانیت، اقتصاد، رسانه و روابط بین‌الملل است. در نگاه رهبر معظم انقلاب، شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در استمرار حرکت انقلاب اسلامی نقشی اساسی دارند و شرط لازم برای تحقق آن به شمار می‌آیند؛ از این رو در متن بیانیه به شاخصه‌های مذکور صریحاً اشاره شده است. در بخشی از این بیانیه در تأکید بر «ایمان» و «معرفت اسلامی» آمده است:

«ثانیاً هیچ تجربه پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای

تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی به دست نیامد و این نخستین درخشش انقلاب بود» (همان).

همچنین تأکید بر «جهاد» که بیش از همه در این بیانیه تکرار شده است، جز به معنای آن نیست که این کلیدواژه نقشی اساسی در تحقق جامعه مهدوی و موفقیت جمهوری اسلامی ایران ایفا کرده است؛ لذا رهبر معظم انقلاب در فرازی از بیانیه فرموده است:

«اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اول درباره گذشته است» (همان).

همچنین درباره «عدالت» نیز با تأکید تمام فرموده‌اند:

«عدالت در صدر هدف‌های اولیّه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه زمان‌ها و سرزمین‌هاست و به صورت کامل جز در حکومت حضرت ولی‌عصر - ارواحنا فداه - میسر نخواهد شد» (همان).

درباره «اخلاق» و «عقلانیت و خرد جمعی» نیز همین تأکید وجود دارد:

«آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشند و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند» (همان).

«مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتمادبه‌نفس کنند» (همان).

اقتصاد نیز یکی دیگر از شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی است که در بیانیه گام دوم بر آن تأکید شده است:

«اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است» (همان). درباره رسانه و تأثیرات آن فرموده‌اند:

«در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مأیوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان‌دادن واقعیت‌ها، پنهان‌کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ‌کردن عیوب کوچک و کوچک نشان‌دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است» (همان).

«ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد‌معنویت و ضد‌اخلاق نهاده است» (همان). درخصوص روابط بین‌الملل نیز شبیه مطالب فوق ذکر شده است:

«عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، این هر سه، شاخه‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی‌اند» (همان).

### مستندات قرآنی تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم

اکنون می‌توانیم مستندات قرآنی شاخصه‌های تمدن اسلامی را در بیانیه گام دوم تبیین کنیم. شاخصه‌ها دو نوع هستند:

الف) شاخصه‌های تمدن کهن اسلامی (ایمان به خدا، معرفت، جهاد، عدالت و اخلاق)؛

ب) شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی (عقلانیت، اقتصاد، رسانه و روابط بین‌الملل)؛

تقسیم شاخصه‌ها به این دو نوع (اکبری، بی تا، شماره ۵)، به معنای آن نیست که شاخصه‌های نوع اول ارتباطی با نوع دوم ندارند. در واقع، از این نظر که شاخصه‌های نوع دوم از قسم اول سیراب می‌شوند، همه آن‌ها ذیل تمدن نوین اسلامی قرار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، شاخصه‌هایی که در جامعه نبوی وجود دارد، ارتباط تنگاتنگی با شاخصه‌های جامعه مهدوی دارد؛ بنابراین، برای تحقق تمدن نوین اسلامی، باید تمام شاخصه‌های یادشده از هر دو قسم را لحاظ کرد؛ از این رو در ادامه بحث، ضرورتی برای حفظ این تقسیم نمی‌بینیم؛ بلکه صرفاً سخن از تمدن نوین اسلامی است که همه شاخصه‌ها را در خود جمع کرده است.

### ۱. ایمان به خدا و توحید

نخستین شاخصه تمدن نوین اسلامی «ایمان به خدا و توحید» است. قرآن در این باره می‌فرماید: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»<sup>۱</sup> (آل عمران (۳): ۱۸).

مهم‌ترین شعار پیامبران الهی وحدانیت و توحید بوده است (نحل (۱۶): ۳۶)<sup>۲</sup> و خداوند بیشترین تلاش را برای معرفی خود انجام داده است. در این باره آیات پرشماری در قرآن آمده که ذکر آن‌ها خارج از ظرفیت این مقاله است؛<sup>۳</sup> اما تحلیل

۱. خداوند در حالی که برپادارنده عدل است، گواهی می‌دهد که هیچ معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی می‌دهند که هیچ معبودی جز او نیست؛ معبودی که توانا و حکیم است.

۲. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ».

۳. رک: بقره: ۲۵؛ هود: ۲۵ و ۲۶؛ رعد: ۱۶؛ اخلاص: ۱-۴.

همه آنها این است که باور افراد جامعه در ایمان به خدا آنان را در یک نقطه گرد هم می‌آورد و در چنین فرصتی ساختن جامعه متمدن یا تمدن‌سازی جامعه به سهولت اتفاق خواهد افتاد؛ زیرا تمام ظرفیت‌های ذهنی و مادی افراد جامعه به یک سو سوق داده خواهد شد.

در بیانیه گام دوم نیز به این موضوع اشاره شده است:

«به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش، که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش).

«مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است» (همان).  
«این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است» (همان).

## ۲. معرفت

دومین شاخصه تمدن نوین اسلامی «معرفت» است. منظور از معرفت که پس از ایمان به خدا قرار دارد، آن است که باور انسان به خداوند نباید کورکورانه باشد، بلکه باید ناشی از حسی قریب و سرشار از نشانه‌ها و ادله قانع‌کننده باشد؛ هرچند ممکن است شناخت مذکور دارای شدت و ضعف باشد. در جامعه متمدن اسلامی، انسان‌ها با معرفت و همراه با شناخت کافی زندگی می‌کنند و معارف غیراسلامی چون قانع‌کننده نیستند، محکوم به بطلان هستند. در بیانیه گام دوم نیز به این معنا اشاره شده است:

«بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود» (همان).



قرآن در آیات متعدد ارزش معرفت را یادآوری می‌کند:

- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر (۳۹): ۹).<sup>۱</sup>  
 ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران (۳): ۷).<sup>۲</sup>  
 ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (نحل (۱۶): ۷۸).<sup>۳</sup>  
 ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ﴾ (انعام (۶): ۵۰).<sup>۴</sup>  
 ﴿مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ (هود (۱۱): ۲۴).<sup>۵</sup>

تأکید قرآن بر نابرابری عالم و جاهل حاکی از جایگاه بلند معرفت در تمدن‌سازی نوین اسلامی است. بدیهی است که در این آیات منظور از تقابل میان علم و عدم علم، اعمی و بصیر، أصم و سمیع، تقابل میان انسان‌های بامعرفت و بی‌معرفت است؛ از همین رو خداوند به پیامبرش امر می‌کند که از درگاه الهی افزایش علم و معرفت را طلب کند (طه (۲۰): ۱۱۴) و علمی که پیامبر از خداوند طلب می‌کند، همان معرفت و شناخت الهی است که موجب خشوع و تواضع در برابر خداوند می‌گردد (اسراء (۱۷): ۱۰۷).<sup>۶</sup>

۱. آیا کسانی که دانا هستند، با کسانی که نادان هستند، برابرند؟

۲. تفسیر واقعی آیات قرآن را جز خدا نمی‌داند و استواران در دانش و چیره‌دستان در بینش می‌گویند ما به آن ایمان آوردیم، همه آیات (متشابه و محکم) از سوی پروردگار ماست.

۳. و خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، در حالی که چیزی نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد تا سپاس‌گزاری کنید.

۴. آیا اعراض‌کننده از وحی که نایبناست و پیرو وحی که بیناست، یکسان‌اند؟ پس چرا نمی‌اندیشید؟

۵. وصف این دو گروه (مشرک و مؤمن) همانند نابینا و کر و بینا و شنواست؛ آیا آن‌ها در این داستان یکسان‌اند؟ پس چرا متذکر نمی‌شوید؟

۶. ﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾.

۷. ﴿قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَجِرُونَ لِالذَّقَانِ سُجْدًا﴾.



شکر همراه کردند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش).

«به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است، ناکام سازید» (همان).  
 «ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماست» (همان).

#### ۴. عدالت

چهارمین شاخصه تمدن نوین اسلامی «عدالت» است. مفهوم عدل در برابر ظلم و خلاف «جور» معنی شده است؛ لذا این مفهوم به معنای مساوات نیست، بلکه به معنی انصاف نزدیک‌تر است. عدالت اصطلاحاً به قرارداد چیزی در موضع اصلی‌اش معنا شده است:

«وضع الشيء في موضعه وإعطاء كل ذي حق حقه» (طباطبایی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱۲، ص ۲۷۶؛ جوهری، ۱۳۶۸ ش، ج ۳، ص ۱۷۶۰).

در تمدن نوین اسلامی در توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، عدالت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و این معنا در آیات بسیاری از قرآن آمده است. قرآن کریم گاه آن را وظیفه همه انبیا (حدید (۵۷): ۲۵)<sup>۱</sup> و گاه وظیفه خصوصی پیامبر اسلام (شوری (۴۲): ۱۵)<sup>۲</sup> و زمانی آن را محبوب خداوند (حجرات (۴۹): ۹)<sup>۳</sup> معرفی می‌کند.

در جامعه متمدن اسلامی به دلیل اینکه عدالت به تقوا نزدیک‌تر است (مائده (۵): ۸)<sup>۴</sup>، روح جامعه سرشار از عدالت‌گستری است؛ تا آنجا که دشمنی با گروه یا

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».

۲. «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ».

۳. «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

۴. «اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى».

حزبی، مانع از اجرای عدالت نمی‌گردد (مائده (۵): ۸)<sup>۱</sup> و اساساً در فرهنگ قرآنی انسان عادل با ستمگر در یک تراز نیست (نحل (۱۶): ۷۶).<sup>۲</sup> در واقع، عدالت وجه باقی و چهره همیشه‌گی اسلام ناب است و در طول تاریخ آنجا که حکومت واقعی اسلام برپا بوده است، همچون حکومت رسول گرامی اسلام و انقلاب اسلامی ایران، مفهوم عدالت از درخشش بی‌نظیری برخوردار بوده است. این مفهوم در بیانیه گام دوم به‌خوبی تجلی یافته و برگرفته از همین مبنای قرآنی است:

«خامساً كَفَّةُ عَدَالَتِ رَا دَر تَقْسِيمِ امكانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش).<sup>۳</sup>

## ۵. اخلاق

پنجمین شاخصه تمدن نوین اسلامی «اخلاق» است. برخورداری از مکارم اخلاق در جامعه نبوی که تتمیم آن از وظایف اصلی پیامبر اسلام ﷺ بوده است (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۳۲۳)<sup>۴</sup>، از عناصر کلیدی تمدن نوین اسلامی است. در آیاتی از قرآن بر اخلاق و تزکیه نفوس تأکید شده است (بقره (۲): ۱۲۹) و

۱. «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓی اَلَّا تَعْدِلُوْا».

۲. «هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلٰٓی صِرَاطٍ مُسْتَقِيْمٍ».

۳. برای مطالعه بیشتر به آیات ذیل رجوع شود: آل عمران: ۲۱؛ نساء: ۵۸ و ۱۳۵؛ مائده: ۸۱ اعراف: ۲۹؛ یونس: ۴۷ و ۵۴؛ نحل: ۹۰؛ الرحمن: ۹.

۴. «عن أبي هريرة قال: قال رسول الله ﷺ: إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق».

(آل عمران (۳): ۱۶۴) و (جمعه (۶۲): ۲)؛ به همین دلیل، خداوند این منت را بر مؤمنان نهاد که در میان آنان پیامبری از جنس خودشان برگزیند که آیات خدا را بر آنان بخواند و آن‌ها را پاک گرداند:

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (آل عمران (۳): ۱۶۴).

پس از ارسال رسولان الهی، قطعاً مظهر فضائل اخلاقی همه پیامبران، رسول گرامی اسلام است و با آمدن او نیکوترین و برجسته‌ترین روحیات اخلاقی جامعه نبوی تبلور یافته و این‌گونه جامعه متمدن اسلامی شکل گرفته است؛ از این رو قرآن پیامبر اسلام را دارای خلقی عظیم معرفی کرده (قلم (۶۸): ۴)<sup>۱</sup> و این خلق عظیم را از رحمت خداوند دانسته است (آل عمران (۳): ۱۵۹)<sup>۲</sup>.

در بیانیه گام دوم نیز رهبر معظم انقلاب مسئله اخلاق را بر مبنای آیات یادشده، دنبال کرده و در مقاطع متعددی اهمیت آن را متذکر شده است:

«آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش).

و در جای دیگر، آن را نتیجه رفتار و منش معمار کبیر انقلاب، حضرت امام

خمینی علیه السلام بر شمرده است:

۱. ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾.

۲. ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾.

«سادساً: عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هرچیز رواج داد. آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود» (همان).  
و در بخشی دیگر از بیانیه، آن را معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی معرفی کرده است:

«و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است» (همان).

و در فرازی دیگر، برجسته‌سازی اخلاق را در گرو مفاهیمی چون اخلاص، ایثار، توکل و ایمان دانسته و رعایت فضیلت‌هایی نظیر خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو برشمرده و آن را جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه معرفی کرده است:

«اخلاق و معنویت به معنی برجسته‌کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است.

معنویت و اخلاق جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است» (همان).

## ۶. عقلانیت

ششمین شاخصه تمدن نوین اسلامی «عقلانیت» است. منظور از عقل، عقل سلیمی است که مایه بندگی خدا (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۱)<sup>۱</sup> و بهبود اخلاق جامعه (همان، ج ۱، ص ۲۳)<sup>۲</sup> و راهنمای انسان دینی است (همان، ج ۱، ص ۲۵)<sup>۳</sup> و استکمال آن از وظایف انبیا دانسته شده است (همان، ج ۱، ص ۱۳)<sup>۴</sup>. منظور از عقلانیت، همان خردورزی و دوام تفکر است که بهترین عبادت معرفی شده است (همان، ج ۲، ص ۵۵)<sup>۵</sup>.

در قرآن کریم آیاتی که به عقلانیت و خردورزی پرداخته و تعابیر زیبایی که در این باره به کار گرفته، مانند تعبیر ﴿أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (رعد (۱۳): ۱۹؛ ص (۳۸): ۲۹؛ ابراهیم (۱۴): ۵۲؛ زمر (۳۹): ۹)<sup>۶</sup> و تعبیر ﴿أُولَى النَّهْيِ﴾ (طه (۲۰): ۵۴)<sup>۷</sup> و ۱۲۸<sup>۸</sup> فراوان است. از نظر قرآن، عقل هنگامی ارزش دارد که در سبک زندگی انسان دخیل باشد، وگرنه وجود عقل فی نفسه ارزشی ندارد. گواه این مطلب آن

۱. «العقل ما عُبد به الرحمن».

۲. «أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلاً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً».

۳. «العقل دليل المؤمن».

۴. «ولا بعث الله نبياً ولا رسولاً حتى يستكمل العقل».

۵. «أفضل العبادة إيمان التفكير في الله».

۶. ﴿أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾.

۷. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾.

۸. «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾.

۹. ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾.

۱۰. ﴿كُلُّوا وَارْزَعُوا أُنْعِمْنَاكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ﴾.

۱۱. ﴿قَلَمْ يَهْدِكُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ﴾.

است که این واژه هیچ‌گاه در قرآن به صورت مصدری به کار نرفته است؛ بلکه به صورت فعل (تعقلون، یعقلون) یا مشتقات دیگر (يَتَفَكَّرُونَ، أولوا الألباب و...) به کار رفته است (بقره (۲): ۱۴۴ و ۷۳؛ نحل (۱۶): ۱۲؛ روم (۳۰): ۲۱؛ یونس (۱۰): ۵۲۴؛ زمر (۳۹): ۱۸).

بنابراین، اگر ارزش عقل و عقلانیت در به‌کارگیری آن است، درباره چه چیزهایی باید تعقل کند و آن را به کار گیرد؟ آیات پرشماری از قرآن با اشاره به مصادیق متعدد فکری و تعقلی انسان، به این سؤال پاسخ داده است. قرآن که محور اصلی تحقق تمدن نوین اسلامی است، از انسان می‌خواهد درباره تدبیر در آیات قرآن (ص (۳۸): ۲۹؛ یوسف (۱۲): ۲؛ انبیاء (۲۱): ۱۰؛ زحرف (۴۳): ۳، رفتار و اعمال خیرخواهانه (بقره (۲): ۴۴)، دنیا و آخرت (انعام (۶): ۳۳؛ یوسف (۱۲): ۱۰۹)، زنده شدن مردگان (بقره (۲): ۷۳)، خلقت آسمان و زمین

۱. «اتَّامِرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ».
۲. «فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ».
۳. «وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ».
۴. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».
۵. «وَازْيَنْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَنَا هُمْ أَمْ نَمُنَّا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».
۶. «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمْ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ».
۷. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ».
۸. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ».
۹. «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ».
۱۰. «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ».
۱۱. «اتَّامِرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ».
۱۲. «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهْوٌ وَكَالَّذَارِ الْأَخْرَجَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ».
۱۳. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَلِمَاتٍ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ».



آل عمران (۳): (۱۹۱)<sup>۲</sup>، تجدید حیات زمین (حدید (۵۷): (۱۷)<sup>۳</sup>، اجتناب از بت پرستی (انبیاء (۲۱): (۶۷)<sup>۴</sup>، خلقت انسان (غافر (۴۰): (۶۷)<sup>۵</sup>، پیروی از قول احسن (زمر (۳۹): (۱۸)<sup>۶</sup>، تشخیص محکمت از متشابهات (آل عمران (۳): (۷)<sup>۷</sup>، محبت و مودت (روم (۳۰): (۲۱)<sup>۸</sup> و بسیاری از موارد دیگر تعقل و تفکر کند.

بدیهی است ظرفیت عظیمی که در آیات پیش گفته درباره تعقل و به‌کارگیری آن‌ها وجود دارد، چنان جامعه را به سوی اصلاح و تمدن پیش می‌برد که گویی بهشت در روی زمین برپا شده است.

درواقع، آنچه قرآن در بحث عقلانیت ما را به سوی آن فرامی‌خواند، سه چیز است؛ زیرا به تعبیر امام خمینی علیه السلام انسان از سه لایه عقلی و قلبی و ظاهری برخوردار است که بعد عقلی نیازمند کمال، بعد قلبی نیازمند تربیت و بعد ظاهری نیازمند عمل است. دستورات انبیا و اولیای الهی برای عقل کمال و برای قلب تربیت و برای جوارح حسی عمل است (معینی‌پور و لک‌زایی، ۱۳۹۱ش، ص ۶۵). در جامعه متمدن اسلامی، لازم است همه این امور مورد توجه قرار گیرد و به آن عمل شود؛ لذا رهبر معظم انقلاب درباره عقلانیت فرموده است:

۱. ﴿كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾.
۲. ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾.
۳. ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾.
۴. ﴿أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾.
۵. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَّىٰ مِنْ قَبْلِ وَ لِيَبْلُغُوا أَجَلَ مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾.
۶. ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْأُولَىٰ﴾.
۷. ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾.
۸. ﴿وَجَعَلْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾.

«آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلا نیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش).

و در توصیه به مدیران کارآمد و خردمند فرموده است:

«فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند» (همان).

ایشان همچنین مدیریت خردمندانه را موجب تقویت اقتصاد برشمرده و فرموده است:

«تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این‌جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد» (همان).

## ۷. اقتصاد

هفتمین شاخصه تمدن نوین اسلامی «اقتصاد» است. بی‌شک یکی از ضروریات تحقق جامعه متمدن اسلامی، اقتصاد مستقل و قوی است.

قرآن کریم براساس همین مبنا در چند جا به مباحث اقتصاد و تأمین نیازهای افراد جامعه اسلامی از دو زاویه پرداخته است. نخست سفارش‌هایی

درباب معاملات کرده است تا جامعه اسلامی از جانب اقتصاد متضرر نگردد، و سپس به جنبه‌های مادی وجود انسان اشاره کرده است تا فردی که در جامعه اسلامی حضور دارد، با تأمین نیازهای مادی‌اش، بانشاط شود و عملکردی سازنده داشته باشد.

از زاویه نخست، در طولانی‌ترین آیه قرآن، اولاً وام دادن به نیازمندان و تولیدکنندگانی که موجب رونق اقتصاد در جامعه می‌گردند را تأیید کرده و سپس سفارش‌هایی درباره پرداخت وام بیان می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ

كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ...﴾<sup>۱</sup> (بقره (۲): ۲۸۲).

در این آیه خداوند به ما می‌آموزد که تنظیم قراردادهای اقتصادی بر مبنای سفارش‌های یادشده در آیه دین، اختلافات را در جامعه کاهش داده و به دنبال آن، بخشی از مرافعات قضایی فروکش خواهد کرد.

همچنین در باب معاملات و عقود اسلامی (مائده (۵): ۱)<sup>۲</sup> نظیر رهن (بقره (۲):

۲۸۳)<sup>۳</sup>، بیع (بقره (۲): ۲۷۵؛ نساء (۴): ۲۹؛ جمعه (۶۲): ۹)<sup>۴</sup>، ربا (بقره (۲):

۱. ای اهل ایمان، چنانچه وامی به یکدیگر تا مدت معینی دادید، لازم است آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای سندش را در میان خودتان به عدالت بنویسد.

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾.

۳. ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتَمَ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾.

۴. ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّا الْبَيْعُ مِنَ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾.

۵. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾.

۶. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾.

۱، نکاح (نساء ۴: ۲۴)<sup>۲</sup> و صلح (نساء ۴: ۱۲۸)<sup>۳</sup>، که بیشترین کاربرد را در جامعه اسلامی دارند، احکام ویژه‌ای جعل کرده است.

اما از زاویه دوم، از آنجا که انسان موجودی جسمانی است و طبعاً چنین موجودی نیازهای مادی دارد، رمز موفقیت جامعه اسلامی از نظر قرآن، آن است که راهکارش درباره نیازهای مذکور را ارائه دهد. تغذیه سالم یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است و جامعه اسلامی در تحقق عملی خود نیازمند افرادی است که از جسمی سالم برخوردار باشند. مصیبت‌های ناشی از تهیدستی موجب ضعف جسمی و اختلال ذهنی می‌گردد و در حکومت اسلامی، چنین افرادی کارایی لازم را نخواهند داشت و تمدن‌ساز نخواهند بود؛ از این رو شعار جامعه اسلامی همواره «پیوند بین معاش و معاد» بوده (امین عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۱۶)<sup>۴</sup> و دنیا و آخرت در یک سیاق قرار داده شده‌اند (قصص ۲۸: ۷۷)<sup>۵</sup>؛ چنان‌که در تقسیم بین شب و روز، شب را برای معاد (اسراء ۱۷: ۷۹)<sup>۶</sup> و روز را برای معاش آفریده است. (نبا ۷۸: ۱۱)<sup>۷</sup>.

البته این پیوند همانند مقدمه و ذی‌المقدمه است؛ یعنی معاش مقدمه‌ای برای معاد است و هدف نیست و این مقدمه ممکن است از نوع تأمین حیات جسمی

۱. «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْطِئُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ».
۲. «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ قَدْ اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا».
۳. «وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهَا أَنْ يُصْلِحا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ».
۴. «لا دين لمن لا معاش له».
۵. «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا».
۶. «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا».
۷. «وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا».

(کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۶، ص ۲۸۶)<sup>۱</sup> یا از نوع تأمین حیات فکری (فیض‌الاسلام، حکمت ۳۱۹، ص ۱۲۳۸)<sup>۲</sup> یا از نوع تأمین حیات اعتقادی (همان)<sup>۳</sup> یا از نوع تأمین حیات دینی (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۵، ص ۷۳)<sup>۴</sup> باشد.

بنابراین، باید توجه داشت آنجا که قرآن می‌فرماید ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُتُوبَكُمْ لَتَعْبُدُونَ﴾ (بقره (۲): ۱۷۲)، منظورش لذت بردن از خوردن طعام نیست؛ بلکه توان‌یابی و کوشش در عرصه‌های زندگی و تکلیف است (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹، ص ۹۹)؛ یعنی نگاه قرآن به هدف زندگی است نه خود زندگی؛ از این رو همه تعبیرات قرآن درباره موضوع مورد بحث، با همین رویکرد است:

﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (نحل (۱۶): ۱۴).  
 ﴿وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَحَمِيمٍ مَّا يَشْتَهُونَ﴾ (طور (۵۲): ۲۲).

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (بقره (۲): ۶۰).<sup>۵</sup>  
 از نگاه قرآن حتی پیامبران نیز به این نیاز مادی وابسته هستند؛ زیرا آن‌ها از کالبدی که به غذا نیاز نداشته باشد، ساخته نشده‌اند:

﴿وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ﴾ (انبیاء (۲۱): ۸).

در بنیانه گام دوم با تکیه بر مبنای قرآنی، اقتصاد به عنوان هدف جامعه اسلامی شناخته نشده است؛ لکن وسیله و مقدمه‌ای برای تحقق آرمان‌های جامعه اسلامی به

۱. «إنما بنى الجسد على الخبز».

۲. «الفقر مدهشة للعقل».

۳. «الفقر منقصة للدين».

۴. «لو لا الخبز ما صلينا».

۵. همچنین رک: نحل: ۵، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸ و ۶۹.

شمار آمده است. در بخشی از این بیانیه، ضمن اینکه اقتصاد قوی را عنصر کلیدی دانسته است، اقتصاد ضعیف را نقطه ضعف جامعه اسلامی معرفی کرده است:

«اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش).

همچنین در بخشی دیگر از بیانیه با اشاره به ظرفیت‌های اقتصادی کشور فرموده است:

«ایران با دارا بودن ۱ درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است. بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه دوم چشم‌انداز باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور، از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی، ارتقا یابد» (همان).

و سپس در فرازی دیگر از بنیة با توجه به مشکلات اقتصادی کشور، درصد ارائه راهکار برآمده است:

«راه‌حلّ این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌هاست. بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد» (همان).

#### ۸. رسانه

هشتمین شاخصه تمدن نوین اسلامی «رسانه» است. رسانه به معنای هر وسیله‌ای است که مطلب یا خبری را به اطلاع مردم برساند، مانند رادیو، تلویزیون و روزنامه (عمید، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۱۰۴۲). در جهان امروز که در عرصه رسانه و تبلیغات پیشرفت‌های چشمگیر صورت گرفته است، این ضرورت ایجاب می‌شود که برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، عنصر رسانه را در رأس امور قرار دهیم.

اساساً خود قرآن رسانه‌ای الهی است که پیام خدا را به بشر ابلاغ می‌کند. از نگاه قرآن، در تبلیغ و رسانه چند نکته را باید رعایت کرد. لزوم تحقیق در درستی اخبار (حجرات (۴۹): ۶)<sup>۱</sup>، پرهیز از شایعه‌پراکنی (نور (۲۴): ۱۵ و ۱۹؛ احزاب

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ».

(۳۳): ۳۶۰؛ نساء (۴): ۸۳<sup>۴</sup>، پرهیز از تمسخر (حجرات (۴۹): ۱۱)<sup>۵</sup>، مبارزه دائمی با طاغوت (نحل (۱۶): ۳۶)<sup>۶</sup> و دفاع از دین و ارزش‌ها (احزاب (۳۳): ۳۹)<sup>۷</sup> نکاتی هستند که پابندی به آن‌ها در رسانه لازم است.

از منظر قرآن، هدف تبلیغ و رسانه زنده نگه داشتن روح جامعه اسلامی (انفال (۸): ۲۴)<sup>۸</sup> و رها شدن از کتمان‌کاری است (بقره (۲): ۱۵۹)<sup>۹</sup>. اگر دین با حکم به وجوب کتمان اسرار شخصی و حریم خصوصی افراد، نوعی محدودیت برای کار رسانه دینی ایجاد می‌کند، از سوی دیگر با تحریم کتمان حق، فضای بیکرانی را به روی رسانه‌ها می‌گشاید. رسانه‌ها باید بدانند که کارشان فقط حرفه و شغل نیست، بلکه رسالتی است که دارای نکات و اهداف پیش‌گفته است. در گزارش معروف مک براید<sup>۱۰</sup> (نماینده یونسکو) آمده است: «روزنامه‌نگاران به خاطر ماهیت کارشان در جهت شکل دادن اندیشه‌ها و عقاید، در موضعی نیرومند قرار دارند و از نظر بسیاری از مردم، روزنامه‌نگاری تنها یک حرفه نیست، بلکه یک رسالت است» (شن مک براید، ۱۳۷۵ش، ص ۱۷۴).

۱. «إِذْ نَلَقَوْهُ بِالْيَمِينِ وَأَنْتُمْ بِالْأَيْمَنِ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ».
۲. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُعَلِّمُ مَا أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».
۳. «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ يَوْمَ تُمُتُّ لَمْ يَجَاوِزُوا فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا».
۴. «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْحُوفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتَهُ لَآتَمَّعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا».
۵. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْقُسُوفُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ».
۶. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ».
۷. «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَخَشَوْنَهُ وَلَا يَخْسِفُونَ بِحَدِّ اللَّهِ إِلَّا اللَّهَ وَكُنِيَ بِاللَّهِ حَسْبًا».
۸. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ».
۹. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَيْنَاهُمْ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ».

10. Mac Brid.



مقام معظم رهبری با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، همواره به ضرورت استفاده صحیح از رسانه توجه کرده است. وی توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری را به عنوان شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی برشمرده و یادآور شده است که همین شاخصه‌ها قابلیت این را دارند که جهان‌بینی مادی ظالمانه غرب را به سوی سعادت سوق دهند (اکبری، بی تا، شماره ۵؛ بیانات مقام معظم رهبری، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۲).

ایشان در بیانیه گام دوم درباره مایوس‌سازی مردم از سوی رسانه‌های دشمن فرموده است:

«اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم، یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. این‌جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان‌دادن واقعیت‌ها، پنهان‌کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ‌کردن عیوب کوچک و کوچک نشان‌دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش).

و در فرازی دیگر از بیانیه، ضمن سفارش به دستگاه‌های حکومتی و نهادهای غیرحکومتی دربارهٔ وظیفهٔ سنگینی که در برابر رسانه دارند، فرموده است:

«ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد‌معنویت و ضد‌اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دورهٔ پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان‌شاءالله» (همان).

### ۹. روابط بین‌الملل

نهمین شاخصهٔ تمدن نوین اسلامی «روابط بین‌الملل» است. از آنجا که پیش‌فرض ما پیوند دین و سیاست است، این پرسش مطرح است که سیاست دینی در روابط بین‌الملل بر چه اصولی استوار است. قرآن در موضوع روابط خارجی، پایبندی به چند اصل را محل توجه قرار داده است:

#### الف) اصل دعوت

از نظر قرآن، نخستین اصل در روابط بین‌المللی، دعوت به سوی اسلام است؛ زیرا اسلام دین برگزیدهٔ خداوند است (آل‌عمران (۳): ۱۹)<sup>۱</sup> و در دعوت خویش، توحید را بر هر چیز مقدم کرده است:

۱. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ».

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران (۳): ۶۴).<sup>۱</sup>

### ب) اصل نفی سبیل

از نگاه قرآن، در روابط خارجی، هرگونه ارتباط که دارای مبانی استکباری و موجب سلطه بر حکومت اسلامی گردد، مردود است؛ زیرا قرآن در این باره فرموده است:

﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء (۴): ۱۴۱).<sup>۲</sup>

براساس این آیه، روابط خارجی اسلام با غیرمسلمانان باید به گونه‌ای تنظیم گردد که زمینه سلطه و برتری کفار بر مسلمانان را فراهم نیاورد. از نگاه قرآن، نه تنها رابطه‌ای که موجب تسلط کفار می‌گردد ممنوع است، بلکه از دوستی و قرابت با کفار نیز باید پرهیز کرد؛ زیرا دوستی با کفار موجب سلطه آنان بر مسلمانان می‌گردد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْأَيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (آل عمران (۳): ۱۱۸).<sup>۳</sup>

۱. بگو ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است و همه کتاب‌های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کرده‌اند، که جز خدای یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرند؛ پس اگر از دعوت تو به این حقایق روی گردانند، تو و پیروانت بگویید گواه باشید که ما در برابر خدا تسلیم هستیم.

۲. هرگز خداوند راه سلطه‌آمیز به سود کافران و به ضرر مؤمنان جعل نکرده است.

۳. ای اهل ایمان، از غیر خودتان برای خود دوست و محرم راز نگیرید؛ آنان از هیچ توطئه و فساد دربارۀ شما کوتاهی نمی‌کنند و شدت گرفتاری و رنج و زیان شما را دوست دارند. تحقیقاً دشمنی با اسلام و مسلمانان از لابه‌لای سخنانشان پدیدار است و آنچه سینه‌هایشان از کینه و نفرت پنهان می‌دارد، بزرگ‌تر است. ما نشانه‌های دشمنی و کینه آنان را برای شما روشن ساختیم؛ اگر تعقل کنید.

### ج) اصل عزت اسلامی

بر اساس مبانی قرآنی، روابط با غیرمسلمانان نباید عزت مسلمانان و جامعه اسلامی را خدشه دار کند؛ زیرا اسلام و مسلمانان همواره باید در برتری قرار داشته باشند: «الإسلام یعلو و لا یعلی علیه» (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۱۳۵؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۹۶).

در آیات متعددی از قرآن به عزت مسلمانان و جامعه اسلامی تأکید شده است. در یک جا اسلام به عنوان کلمه پایدار و باقی برای همه نسل‌ها معرفی شده است:

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِمْ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ﴾ (زخرف (۴۳): ۲۸).

و در بعضی دیگر از آیات، کلمه الله در بلندا و کلمه کفر در زیر قرار داده شده است:

﴿وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه (۹): ۴۰).

چنان‌که در بعضی دیگر از آیات، ضمن اینکه مسلمانان را به سستی نکردن در برابر کفار توصیه کرده، آن‌ها را به شرط حفظ ایمان، از همه انسان‌ها برتر معرفی کرده است:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران (۳): ۱۳۹).

### د) اصل التزام به پیمان‌های بین‌المللی

التزام به پیمان‌های بین‌المللی از اصول قطعی در جامعه متمدن اسلامی است. در آیات قرآن، التزام و پابندی به تعهدات، به شکل مطلق و عام بیان شده است، یعنی به طور خاص به پیمان‌های بین‌المللی تصریح نشده است؛ اما تردیدی نیست که عمومیت آیات قرآن شامل هریک از پیمان‌های جزئی و معاهدات بین‌المللی می‌گردد؛ زیرا هیچ‌گاه نمی‌توان دلالت آیاتی نظیر ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مائده (۵): ۱)، ﴿وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا﴾ (نحل (۱۶): ۹۱)، ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء (۱۷): ۳۴) را به تعهدات جزئی و داخلی محدود کرد.

بنابراین، جامعهٔ متمدن اسلامی زمانی تحقق می‌یابد که در آن، این اصول چهارگانه در مسائل بین‌المللی رعایت گردد. اکنون مواجههٔ جمهوری اسلامی ایران با جهان غرب، همچون مواجههٔ اسلام با کفر است. در سیاست خارجی باید دقت کرد که هیچ‌یک از اصول چهارگانه، به‌ویژه اصل عزت اسلامی، زیر پا گذاشته نشود. خوشبختانه یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، هشیاری ملت در روابط خارجی و ارتقای آن‌ها در فهم مسائل بین‌المللی است؛ لذا رهبر معظم انقلاب در بیانیهٔ گام دوم، ضمن توجه به این دستاورد بزرگ، تأکید می‌کند که فهم مسائل بین‌المللی در میان مردم موجب شده است تحلیل‌های سیاست خارجی از انحصار طبقهٔ عزت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر خارج شود:

«...بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونهٔ شگفت‌آوری ارتقا داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب، به‌خصوص آمریکا، مسئلهٔ فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئلهٔ جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقهٔ محدود و عزت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر بیرون آورد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیهٔ گام دوم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ش).

به همین دلیل، در بیانیهٔ گام دوم، موضوع روابط بین‌المللی به عنوان یکی از سرفصل‌های اساسی در کنار شاخصه‌های دیگر و در جهت تمدن‌سازی جوامع اسلامی مورد عنایت رهبر فرزانهٔ انقلاب قرار می‌گیرد:

«اکنون به شما فرزندان عزیزم درمورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت‌مندی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی» (همان).

## جمع‌بندی

آنچه در این مقاله آمده است، در چند جمله جمع‌بندی می‌شود:

الف) بیانیه گام دوم انقلاب یکی از ارزشمندترین مکتوبات تاریخ چهل‌ساله انقلاب اسلامی ایران است. در این بیانیه به همه آنچه جامعه متمدن اسلامی نیاز دارد، اشاره شده است. ایمان، علم، جهاد، اخلاق، عدالت، عقلانیت، اقتصاد، رسانه و روابط بین‌الملل، از شاخصه‌های مهم تحقق «تمدن نوین اسلامی» هستند که تمدن‌سازی آن‌ها در این بیانیه بیشتر بر دوش جوانان گذاشته شده است.

ب) مفهوم «تمدن» همان مدنیت و تربیت‌پذیری جامعه است؛ چنان‌که این مفهوم به معنای شهرنشینی و همکاری‌های لازم در جامعه شهری نیز تعریف شده است؛ همچنین واژه تمدن در عربی معادل «الحضارة» است. به گفته ابن‌خلدون، تمدن حالات عادی جامعه است که فراتر از آبادی‌های ضروری آن است. هدف از آبادسازی شهر، رسیدن به تمدن است و با دسترسی به چنین تمدنی، عمران و آبادی پایان می‌یابد.

ج) منظور از شاخصه‌های «تمدن نوین اسلامی» علاوه بر شاخصه‌هایی همچون ایمان، معرفت، جهاد، عدالت و اخلاق که در «تمدن کهن اسلامی» وجود دارد، شاخصه‌هایی مانند عقلانیت، اقتصاد، رسانه و روابط بین‌الملل است و هنگامی که این شاخصه‌ها به طور صحیح در جامعه عینیت پیدا کنند، تمدن نوین اسلامی که همان جامعه مهدوی است، تحقق پیدا خواهد کرد.

د) مراد از شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی، عناوینی نظیر ایمان، معرفت، جهاد، عدالت، اخلاق، عقلانیت، اقتصاد، رسانه و روابط بین‌الملل است.

ه) درباره شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی آیات فراوانی وجود دارد که سندی جاودانه در ترسیم جامعه نبوی و جامعه مهدوی به شمار می‌آید.

## کتابنامه

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۹۶۰م)، المقدمة، بيروت، دار الكتاب اللبناني.
۲. اکبری، مرتضی و فریدون رضائی (بی تا)، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، ش ۵.
۳. امین عاملی، محسن (۱۴۰۳ق)، أعيان الشيعة، بيروت، دار التعارف للمطبوعات.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۵. بیهقی، احمد بن الحسین (۱۴۲۴ق)، السنن الكبرى، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ سوم.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۶۸ش)، صحاح اللغة، تهران، امیری.
۷. حیم، سلیمان (۱۹۹۵م)، فرهنگ معاصر یک جلدی انگلیسی فارسی، ویرایش چهارم، تهران، فرهنگ معاصر.
۸. خامنه‌ای، علی (۱۳۹۷ش)، بیانیة گام دوم انقلاب، تهران، سایت رهبر انقلاب اسلامی ایران.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران چاپ دوم.
۱۰. سید رضی، ابوالحسن (۱۳۶۵ق)، نهج البلاغة امام علی، ترجمه علی نقی فیض الاسلام، تهران، چاپخانه سپهر.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران، بنیاد علمی - فرهنگی علامه طباطبایی.
۱۲. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر مجمع البیان، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۳. عمید، حسن (۱۳۸۹ش)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، اشجع.
۱۴. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، الجامع لأحكام القرآن، بيروت، دار إحياء التراث العربی.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، الأصول من الكافي، تهران، دار الكتب الإسلامية، چاپ پنجم.
۱۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۷. معینی پور، مسعود و رضا لک زایی (۱۳۹۱ش)، «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۲۸۸.
۱۸. مک براید، شن (۱۳۷۵ش)، یک جهان چندین صدا، تهران، سروش.
۱۹. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۳۱ش)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران، سینا.